

تنجیم یا تاریخ: رهیافت «دُستور المنجّمین» به میراث شعوبی / شیعی

محمد کریمی زنجانی اصل - دانشگاه بن (جمهوری فدرال آلمان)

اشارت و یاد: این گفتار، بخشی است از دستامد پروژه تصحیح و تحقیق بخش تاریخی کتاب دستور المنجّمین که با حمایت بنیاد پژوهشهای آلمان (Deutsche Forschungsgemeinschaft) از ماه اکتبر ۲۰۰۹ تا ماه سپتامبر ۲۰۱۲ میلادی در مؤسسه مطالعات شرقی و آسیایی دانشگاه فردریش - ویلهلم شهر بُن زیر نظر پروفیسور اوا اورتمن به انجام رسید. متن انگلیسی این گفتار، نخستین بار با این مشخصات در کارگاه پژوهشی زیر ارائه شد: "Astrology or History: the Dustūr al-Munajjimīn's approach to Hamza Isfahānī's and al-Bīūnī's as well as Imamite and Ismā'īlī's works", Science in Context: The Dustūr al-munajjimīn and its world, An interdisciplinary workshop on the traditions of science and learning in the Ismaili domain, organized by Eva Orthmann, Petra G. Schmidl and Mohammad Karimi Zanjani Asl (Bonn, 22-23 of July 2011).

تلاش برای نگارش یک تاریخ جهانی: ساختار در خدمت محتوا

مقاله دهم دستور المنجّمین در نسخه موجود از برگ «۲۴۰پ» آغاز و تا برگ «۳۴۶پ» ادامه دارد و بزرگترین مقاله این کتاب است. با دروغ، از آنجا که آغاز و انجام نسخه موجود از این کتاب افتاده است، درباره شمار دقیق برگهای این مقاله و مندرجات آن پس از یک برگ مربوط به ائمه زیدیه باید سکوت کرد.

بخش تاریخی دستور، با ارائه فهرست مندرجاتی به این شرح آغاز شده است:

- ا. فی أنواع الأيام الطبيعية والوضعية وأجزائهما،
- ب. فی أنواع الشهور والسنين الطبيعية والوضعية،^۲
- ج. فی سنی الأمم و شهورهم مرسله و معللة،^۳
- د. فی تعریف التّواریخ،^۴
- هـ. فی الکبایس،^۵
- و. فی تخالیط التّواریخ،^۶
- ز. فصول و جداول فی تواریخ الآباء والأنبياء والأئمة علیهم السّلام والمشاهیر من الملوک والحکماء فی الأمم

الأربعة أعنی العرب والهند والفرس والرّوم.^۷

از این هفت فصل، شش فصل نخست بر سرهم ده برگ از یکصد و شش برگ بخش تاریخی **دستورالمنجمین** را دربرگرفته است؛ یعنی کمتر از ده درصد حجم این بخش به مباحث نجومی مرتبط با تاریخ می‌پردازد. در واقع، اهمیت این فصلها، افزون بر مباحث مطرح در آنها، در نوع و ترتیب چیدمان آنها است. تا نیمه نخست فصل پنجم، در ادامه روش به‌کار گرفته شده در بخشهای نجومی و تنجیمی دستور، فرازی از **التفهیم** و بخشهایی از **القانون المسعودی** ابوریحان بیرونی نقل شده است که البته ترتیب چیدمان آنها با متن اصل قانون بیرونی متفاوت است. در نیمه دوم فصل پنجم، بخشی ارزشمند از کتاب **العالمین** ابوجعفر خازن نقل شده است و فصل ششم با نقلی از **القانون المسعودی** پی گرفته می‌شود.

نخستین برگهای فصل هفتم از نظر روش کار به فصل پنجم می‌ماند؛ با نقل صفحاتی از **القانون المسعودی** درباره تاریخ مشهور نزد اهل کتاب آغاز می‌شود و با نقل فرازی دیگر از کتاب **العالمین** خازن ادامه می‌یابد. آنگاه زیر عنوان «مقدمه» درباره تعصب هر یک از ملت‌ها درباره مبادی تاریخ سخنی کوتاه آمده است؛ و درست پس از پایان این بحث است که می‌بینیم روال معمول مؤلف در نقل قولهای طولانی کنار گذاشته شده و او از جایگاه یک «ترکیب‌کننده» به مقام یک «مؤلف منتقد» ره می‌سپارد. پس، در نخستین گام، به نظریه تعلیم جدید توجه می‌کند که پیشتر بدان پرداختیم و سپس در «مقدمه آخری» با بهره‌گیری از احادیث نقل شده از پیامبر اسلام (ص) و جعفر بن محمد صادق (ع) در کتاب **العویص** - یکی از بخشهای مفقود شده **المحاسن** احمد برقی (م ۲۸۰ق) - درباره اختلاف یهود و نصاری و نویسندگان مسلمان درباره مبادی مشهور تاریخ بحث می‌کند و این اختلافات را در جدولی با سرفصلهای زیر نمایش می‌دهد^۹ و چنان‌که می‌بینیم در آخرین ستون، از تاریخ قابل اعتماد یاد می‌کند:

مابین المبادی المشهورة	أهل الكتاب		المذیل لابن جریر الطبری	المعارف للقتیبی	المبتدا لأبی حذیفه القرشی	المعتمد من جمیع ذلک وسیاقه التاریخ
	النصاری	زمانیة اليهود				

مؤلف **دستورالمنجمین**، بیشتر تاریخهای قابل اعتماد را از قول نصاری و ابوحنیفه قرشی نقل می‌کند؛ اما در مواردی اجتهاد شخصی هم دارد؛ بویژه درباره روزگار پس از موسی. در واقع، از برگ «۲۵۷ رو» به بعد است که مؤلف دستور با بهره‌گیری از منابع گوناگون که در ادامه از آنها سخن خواهیم گفت، با طرح یک تاریخ جهانی، به بیان جهان‌نگری واقعی خود همت می‌گمارد.^{۱۱} سرآغاز سخن او در اینجا، نظر حمزه اصفهانی است در تعریف تاریخ و مُحدث بودنش و اینکه معرب کلمه «ماه روز» است^{۱۲}، به نظر من، استناد مؤلف دستور به حمزه اصفهانی را در ارتباط با نفوذ آراء او بر مورخ / منجمان سده ششم هجری مانند عبدالجبار خرقی در **متهی الإدراک** می‌توان بررسید^{۱۳}؛ و ای بسا که به گرایشهای شعوبی حمزه نیز بازگردد که برخی منابع کهن هم بر آن تأکید کرده‌اند.^{۱۴} مؤلف دستور، آنگاه از تاریخ ایرانیان می‌آغازد و سپس به تاریخ عرب و ملوک حیره در پیوند با ساسانیان توجه کرده و سرانجام به تمهید قواعدی می‌پردازد که جدولهای تاریخی خود را بر آنها بنیاد نهاده است. این جدولها که از برگ «۲۶۴ پ» آغاز و تا پایان نسخه موجود ادامه دارد^{۱۵}، از نظر شکل و محتوی و روش ترکیب منابع، بحث‌برانگیزترین قسمت بخش تاریخی دستور است و در آنها است که نمونه‌ای کهن از جدولهای تبارشناختی را می‌بینیم که بعدها نیز در آثار مورخان دیگری مانند تاج‌الدین بن محمد شیعی در **غایة الاختصار فی أخبار البیوتات العلویة** و فخرالدین مبارکشاه در **شجرة انساب** به‌گونه دیگری به‌کار گرفته می‌شود^{۱۶} مؤلف دستور، سرعنوانهای جدولهای تاریخی خود را به رنگ سنگرف (سرخ) چنین تنظیم کرده است:

الأسماء	جملة السنین من آدم علیه السلام	هذه أعمارهم	جمل من أحوالهم
---------	--------------------------------	-------------	----------------

ترتیب تاریخی این جدولها، پیش از ورود به تاریخ اسلام نیز چنین است: آدم علیه السلام... مولد موسی بن عمران علیه السلام / خروج موسی بنی اسرائیل من مصر ← ملوک بنی اسرائیل بعد موسی علیه السلام و مدة ملکهم ← ملوک الاسباط العشرة من بنی اسرائیل منقول من سیر الملوک

من التوریه ← ملوک الكلدانیین ببابل بعد الطوفان ← ثمّ بعدهم ملوک أثور وهو الموصل وقصبها ← ملوک بابل باذای وهو الجبل كانوا معهم منغلبین ← الطیالسة بأرض مصر بعد الإسكندر ← ملوک الرّوم القیاصرة و تفسیر قیصر بالفرنجة كما قیل شقّ عنه ← ملوک النّصرانیة ببوزنطیا وسمت قوسطنطیانلوس وهی القسطنطنیة ← ملوک الفرس (الفیشدادیة) ← ملوک الطوائف والأشکانیة ← ملوک السّاسانیة ← ملوک الهند^{۱۶} ← ملوک العرب بالیمن ← ملوک الحیرة ← ملوک غسان و هم آل جفنة

درنگی کوتاه بر این فهرست، به روشنی از تلاش مؤلف دستور برای نگارش یک تاریخ جهانی خبر می‌دهد^{۱۷} و برمی‌نماید که نزاریان، دست‌کم در نخستین دهه‌های فعالیتشان، به تاریخنگاری به‌گونه‌ی عمومی و جهانی آن هم توجه ویژه داشته‌اند و در آثارشان بسیار فراتر از تاریخهای دودمانی و فرقه‌ای حرکت می‌کرده‌اند.^{۱۸} نکته‌ی جالب این است که مؤلف دستور، شکل این جدولها را از **القانون المسعودی** بیرونی گرفته است، و ترتیب تاریخی آنها را از الآثارالباقیه او،^{۱۹} جدول الآباء من لدن آدم إلى الملوک الذین بهم اتّصل التّاریخ^{۲۰}

اسماء الآباء والقرون والملوک الذین یستصل بمددهم التّاریخ	مدّة کلّ واحد	جملة السّنین	المعارف المتّفقة فی آیامهم
--	---------------	--------------	----------------------------

اما سرعنوانهای جدولها (الاسماء... جمل من أحوالهم) را با توجه به تاریخ ابن واضح یعقوبی دوباره تنظیم کرده است؛ و در تنظیم مطالب نیز نه تنها به رویکرد حمزه اصفهانی در تاریخ سنی ملوک الارض والأنبیاء توجه داشته،^{۲۱} بلکه تاریخ زمان‌نگاشتی ملتهای گوناگون را از الگوی ارائه کرده حمزه برگرفته است.^{۲۲} جدول زیر، این نکته را به روشنی نشان می‌دهد.^{۲۳}

دستور المنجّمین	تاریخ الیعقوبی	تاریخ سنی ملوک الارض والأنبیاء	الآثار الباقیة
آدم علیه السّلام ... مولد موسی بن عمران علیه السّلام خروج موسی بنی اسرائیل من مصر	آدم ... موسی بن عمران		
ملوک بنی اسرائیل بعد موسی علیه السّلام ومدّة ملکهم	أنبیاء بنی اسرائیل وملوکهم بعد موسی	الباب الخامس فی سیاقه تواریخ سنی الاسرائیلیین	جدول تواریخ بنی اسرائیل
ملوک الاسباط العشرة من بنی اسرائیل منقول من سیر الملوک من التّوریه	ملوک السّریانیین ملوک الموصل ونینوی		
ملوک الكلدانیین ببابل بعد الطوفان	ملوک بابل		
ثمّ بعدهم ملوک أثور وهو الموصل وقصبها	ملوک الهند		تسمیة ملوک أثور
ملوک بابل باذای وهو الجبل كانوا معهم منغلبین	الیونانیون		ملوک بابل والکلدانیین تسمیة ملوک القبط
الطیالسة بأرض مصر بعد الإسكندر	ملوک الیونانیون والرّوم	الباب الثّانی / الفصل الأوّل فی سیاقه سنی ملوک مقدونیة	اسماء ملوک البطالسة
ملوک الرّوم القیاصرة وتفسیر قیصر بالفرنجة كما قیل شقّ عنه	ملوک الرّوم	الباب الثّانی / الفصل الثّانی فی سیاقه سنی ملوک رومیة	اسماء الملوک الروم
ملوک النّصرانیة ببوزنطیا وسمت قوسطنطیانلوس وهی القسطنطنیة	ملوک الرّوم المنتصرة	الباب الثّانی / الفصل الثّالث فی سیاقه سنی ملوک قسطنطنیة	اسماء ملوک النّصرانیة ملوک القسطنطنیة

ملوک فارس	الباب الأول في سياقة تواريخ سنى ملوك الفرس الطبقة الأولى الفيشدادية الطبقة الثانية الكيانية	ملوك فارس	ملوك الفرس (الفيشدادية)
اسماء الملوك الأشكانية	الباب الأول / الطبقة الثالثة الأشكانية	المملكة الثانية من أردشير بابكان	ملوك الطوايف والأشكانية
اسماء الملوك الساسانية	الباب الأول / الطبقة الرابعة الساسانية	ممالك الجربى	ملوك الساسانية
		ملوك الصين ملوك مصر من القبط وغيرهم ممالك البربر والأفارقة ممالك الحبشة والسودان مملكة البجة	ملوك الهند
	الباب الثامن في سياقة تواريخ حمير ملوك عرب اليمن	ملوك اليمن	ملوك العرب باليمن
جدول ملوك الحمير		ملوك الشام	ملوك الحيرة
جدول ملوك الغسانية	الباب السابع في سياقة تواريخ غسان ملوك عرب الشام	ملوك الحيرة من اليمن حرب كنده	ملوك غسان و هم آل جفنة

دیگر نکته درخور توجه در این جدولها، تأکید مؤلف است بر نشانه‌گذاری برخی منابع با رنگهای سرخ و سبز و آبی و زرد و سیاه و استفاده هم‌هنگام از حساب جمل و حساب هندی برای نشان دادن اختلاف منابع با یکدیگر درباره تاریخهای موجود در برگ «۲۶۳رو»:

الألوان	حساب الجمل	حساب الهندی
الحمرة	التورية	التاريخ عن ابن واضح
الخضرة	المبتداء عن أبي حذيفة القرشي	المعارف عن القتيبي
الزرقة	مختصر التاريخ عن أبي القاسم التميمي	المذيل عن ابن جرير الطبري
الصفرة	الأخبار الطوال عن أبي حنيفة الدينوري	الزيج عن البتاني
السواد	شاهنامج في تاريخ الفرس	القانون عن أبي الريحان

گفتنی است که بهره‌گیری او از رنگ در این جدولها تنها به حوزه سال‌شماری تواریخ محدود نمانده و در جای‌جای جدولها، بهره‌گیری او از رنگ در نقل قولها را نیز می‌بینیم.

مؤلف دستورالمنجمین با تغییر منابع خود در بحث از ملوک یمن و ملوک حیره، نظام رنگ‌شناخت خود را نیز بازبینی و خواننده را از تغییرات آگاه می‌کند. این تغییرات بر پایه برگ «۲۹۸رو» اصل نسخه موجود در کتابخانه ملی پاریس چنین است:

المکتوب علی الحواشی أسماء ملوک الیمن و ملوک الحیره و هو الملوک:

إمّا بالحمرة بحساب الهندی علی قول ابن واضح و بالخضرة بحساب الهندی من المعارف للقتیبی وبالحمرة بحساب الجمل من مفاتیح العلوم للخوارزمی رحمة الله و بالزرقة بحساب الهندی من المذیل لابن جریر الطبری و بالزرقة بحساب الجمل من مختصر التاریخ للتیمی* و بالصّفراء بحساب الجمل لأبی حنیفة الدینوری فی الأخبار الطوال

نکنه جالب دیگر، افزوده شدن نشانه گذاریهای عددی رنگی در حاشیه راست و چپ صفحه‌ها از برگ «۲۹۳ پ» تا «۳۰۱ رو» در سرفصلهای «ملوک العرب بالیمن» و «ملوک الحیره» است. این نظام جدید نشانه گذاری در حاشیه صفحه‌ها را در بخشهای مربوط به غزوات و سرایای پیامبر اسلام (ص) در برگهای «۳۲۰ پ» تا «۳۳۰ رو» نیز می‌توان دید و در ادامه درباره نظام نشانه گذاری تازه او در این بخشها بحث کرده‌ام.

به هر روی، پیوند رنگ و روایت و منابع در این کتاب، البته تا آنجا که من بازجسته‌ام، در متون تاریخی جهان اسلام کم‌مانند است و از جمله موضوعات بسیار جالبی است که پرداختن به آن فرصت دیگری می‌خواهد. بنابراین، در اینجا تنها به یادکرد این نکته بسنده می‌کنم که شکل یکسره متفاوتی از چنین پیوندی را، بیشتر با هدف تشخیص سرعنوان مطالب، در برخی نسخه‌های خطی فاطمی و نسخه‌های دروژیه می‌توانیم یافت^{۲۴}؛ و نیز در نسخه‌های درباری و دیوانی مانند نسخه أسوله و أجوبه رشیدالدین فضل‌الله از آثار کتابت شده در ربع رشیدی^{۲۵} و نسخه‌ای کهن از جامع التواریخ^{۲۶}. از آثار نزاری هم، ترجمان فارسی الملل والنحل شهرستانی از سده ششم هجری^{۲۷} در نسخه شماره ۲۳۷۱ کتابخانه ایصوفیا یادکردنی است که با رنگهای سیاه و سبز و شنگرف و زر حل کتابت شده است. از آثار نزاری کتابت شده پس از سقوط الموت هم از نسخه دیوان قائمات - سروده حسن کاتب در حدود سالهای ۶۲۰ تا ۶۳۱ هجری - کتابت شده ۸۰۶ قمری می‌توان یاد کرد که در آن از رنگهای سیاه و قرمز و زعفرانی استفاده شده است.^{۲۸}

به نظر من، مؤلف دستور برآمده از هدفی که برای نگارش یک تاریخ جهانی و در عین حال عقیدتی (در بخش اسلام) برای خود تعریف کرده است، به استفاده از چنین جدولهایی روی می‌آورد؛ چرا که آنها برای بهره‌گیری گسترده و انتقادی او از منابع گوناگون، بهترین مجال را در اختیارش می‌گذاشته است.

برای مؤلف دستور، برخلاف بیرونی، این جدولها کاربرد صرف تقویمی ندارد؛ همچنین، او برخلاف مسکویه، به تاریخ بعنوان مجالی برای بیان دستاوردهای فرهنگی یا بعنوان راهنمایی ارزشمند برای ارائه رفتار پسندیده به نسلهای آینده نمی‌نگرد و در پی پیشنهاد سرمشقی اخلاقی نیست^{۲۹}؛ و ای بسا که تنشهای سیاسی و مخاطراتی که جامعه نزاری در روزگار نگارش این کتاب با آنها روبه‌رو بوده است، او را از چنین درنگهایی دور کرده باشد.

به هر روی، علت این مسئله هرچه باشد، واقع امر آن است که برخلاف سنت مورخانی مانند بیرونی و مسکویه، مؤلف دستور به تاریخ سیاسی ارجح بیشتری می‌نهد تا تاریخ فرهنگی^{۳۰}؛ بنابراین، جای تعجب ندارد که او با همه اهمیتی که برای تاریخ ایران پیش از اسلام قائل است، به هنگام بحث از ساسانیان، از بزرگمهر بعنوان یکی از مهمترین چهره‌های فرهنگی آن روزگار، یاد نکرده است.

البته این تمام تفاوت رویکرد مؤلف دستور با بیرونی نیست؛ برخلاف ابوریحان که در الآثار الباقیه تنها به تحقیق و تعیین تواریخ می‌پردازد و به ارزشیابی اطلاعات تاریخی یا اخبار کمتر توجه می‌کند^{۳۱}، مؤلف دستور به ارزیابی این اطلاعات اهمیت فراوان می‌دهد.^{۳۲}

بخش تاریخ اسلام دستور از برگ «۳۰۳ پ» در ادامه سنت سیره‌نویسی اسلامی با بحث از اسلاف پیامبر اسلام (ص) آغاز می‌شود.

گفتنی است که در این بخش، مؤلف دستور به رغم بهره‌گیری از منابع مشهور سنی و شیعه، که در ادامه به آنها خواهم پرداخت، الگوی پردازش زندگی پیامبر اسلام (ص) را از تاریخ یعقوبی برگرفته است^{۳۳}؛ اما طالع تولد و بعثت پیامبر اسلام (ص) را از قول ماشاء الله و بتانی نقل کرده است.^{۳۴} مؤلف دستور، سیره پیامبر (ص) را ذیل چنین عناوینی شرح می‌دهد:

حلیته و أخلاقه علیه السلام / أزواجه صلی الله علیه وسلم خمس و عشرون سوی السّریات / واللواتی دخل بهنّ أربع عشرة / السّراى / أولاده علیهم السلام سبعة / غزوات النّبی صلی الله علیه و سلم التی قاتل فیها / حجّة الوداع. در پرداختن به زندگی و اخلاق پیامبر اسلام (ص)، تنها در صفحه اول است که از جدولهای پیشین استفاده شده و در ادامه، متن به شیوه عادی و بی‌جدول کتابت شده است. بخشهای مربوط به زنان آن حضرت نیز به شیوه مشجر کتابت شده و سرفصل غزوات به رنگ سرخ (شنگرف) است که الگوی تازه‌ای از جدول را به شرح زیر می‌بینیم:

الأسماء	تواریخها عن الهجرة	جمل من أحوالها
---------	--------------------	----------------

مؤلف دستور، در همین جدول از منابع خود چنین یاد کرده است:
 «المغازی لجعفر بن بشیر ولابن واضح وللواقدی وللمذیل الطبری وللمعارف القتیبی».
 او نظام رنگ شناخت تازه خود برای تاریخهای این بخش را نیز چنین برشمرده است:
 «ولهذه الغزوات بالسواد لجعفر بن بشیر وبالحمرة لابن واضح وبالزرقة لابن جریر وبالخضرة للواقدی وبالصفرة لمحَمَّد بن اسحاق».^{۳۵}

گفتنی است که مؤلف، غزوات پیامبر (ص) را به دو بخش تقسیم کرده است: غزواتی که با درگیری و قتال همراه بوده است و غزواتی که کشته‌ای در پی نداشته است. و از همین غزوات است که نظام رنگ شناخت تازه او را در حاشیه‌های چپ و راست متن می‌یابیم که تا پایان سرایای پیامبر اسلام (ص) ادامه دارد.

الگوی مؤلف دستور در قطعه مربوط به زندگی علی بن ابی طالب (ع) تغییر کرده و چنین می‌شود: «جمل من أحوالهم / وإخوته لأبيه وأمه وأخواته / حلیته / خواتیمه الأربعة / أزواجه وسرائره / بنوه / بناته / و من مشاهیر رجال»، و با اندکی تغییر تا شرح حال جعفر بن محمد صادق (ع) به کار می‌رود. در این بخشها جدول با سرعنوانهایی تازه به رنگ سرخ (شنگرف) به شرح زیر تنظیم شده است^{۳۶} و در ذیل «جمل من أحوالهم» برخی اطلاعات به شیوه مشجر کتابت شده است^{۳۷}:

اسماؤهم وألقابهم	تأریخ ولادتهم وانتقالهم	مدّة ولايتهم وأعمارهم	جمل من أحوالهم ^{۳۸}
------------------	-------------------------	-----------------------	------------------------------

نکته بسیار مهم در بخش تاریخ اسلام دستور این است که مؤلف پس از پرداختن به زندگی رسول اسلام (ص)، بی‌درنگ به زندگی امام اول شیعیان علی بن ابی طالب (ع) می‌پردازد و پس از آن به زندگی فرزندان او حسن و حسین (ع)، و آنگاه دیگر ائمه شیعه تا جعفر صادق (ع). سپس به تفصیل درباره زندگی نخستین امامان اسماعیلی از عهد اسماعیل تا محمد بن اسماعیل و ائمه مستورین سخن گفته و با شرح زندگی و رویدادهای مرتبط با سه خلیفه نخست فاطمی، تاریخ فاطمیان را تا روزگار نزار بن مستنصر پی می‌گیرد.

در واقع، مؤلف دستورالمنجّمین با چنین رویکردی، آشکارا نشان می‌دهد که تنها این بخش از تاریخ اسلام را مشروع و درخور توجه می‌داند؛ و درحالی که در سنت تاریخنگاری اسلامی، پس از رسول اسلام (ص)، به روزگار خلفای اربعه و آنگاه به امویان و سپس به عباسیان پرداخته می‌شود، او به سه خلیفه نخست و نیز به خلفای اموی نمی‌پردازد، و درباره خلفای عباسی هم بیش از آنچه در پیوند با ائمه اسماعیلی لازم بداند چیزی نمی‌گوید.^{۳۹} او در شرح حال نخستین خلفای فاطمی و پیروزیهایشان نیز به شرح طالع آنان براساس اوضاع کواکب توجه می‌کند؛^{۴۰} و چنین می‌نماید که همچنان در پی اثبات درستی یافته‌های تنجیمی است.

درباره این قسمت از بخش تاریخی دستور در ادامه بیشتر سخن خواهیم گفت؛ اما در اینجا بایسته است که به دو نکته اشاره کنم:

نخست، تعبیر صریح مؤلف دستور از نزار به «امام» است که به روشنی بر گرایش نزاری او دلالت می‌کند.^{۴۱} و برآمده از چنین گرایشی است که تاریخ ائمه فاطمی را با شرح مختصر احوال نزار پایان می‌دهد^{۴۲} و به احوال ائمه امامیه و زیدیّه می‌پردازد. گفتنی است که در دو بخش ائمه امامی و زیدی، او سرفصلها را چنین تغییر داده است:

الْأئمة القطعیة

الأسماء	تأریخ الولادة والوفاة	تأریخ مدّة الإمامة والعمر	جمل من أحوالهم
---------	-----------------------	---------------------------	----------------

الْأئمة الزیدیة

الأسماء	تأریخ الخروج	تأریخ الوفاة	جمل من أحوالهم
---------	--------------	--------------	----------------

نکته تأمل برانگیز دیگر در دستور، گزارش کوتاه مؤلف از روزگار طولانی مستنصر فاطمی است که تعجب برانگیز می‌نماید؛ آنهم در برابر صفحه‌های فراوانی که به زندگی نخستین خلفای فاطمی اختصاص یافته است.^{۴۳}

از دید من، این گزارش کوتاه، به ناکامیهای فاطمیان در دوران مستنصر بازمی‌گردد؛ و برعکس، اینکه به زندگی نخستین خلفای فاطمی به تفصیل پرداخته شده و شرح مجاهدتهای آنان با ذکر جزئیات آمده است، در نیاز جامعه نوپای نزاری به یادآوری این مجاهدتها ریشه دارد. حتی می‌توان گفت که شرح موفقیت‌های کوتاه‌مدت بساسیری در بغداد عباسی از ذوالقعدة ۴۵۰ تا ذوالقعدة ۴۵۱ هجری^{۴۴} نیز عمداً حذف شده است تا جامعه نوپای نزاری، برای دل بستگی به خلفای فاطمی در روزگار پس از مستنصر کوچکترین دلیلی نداشته باشد.

در واقع، برجسته‌ترین نکته مطرح در بخش زندگی مستنصر فاطمی، تصریح بر دیدار حسن صباح با او است.^{۴۵} این نکته، بویژه از آن روی اهمیت دارد که تناقض مطرح در آثار غیر نزاری بعدی مانند جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله و زبدة‌التواریخ کاشانی درباره دیدار حسن صباح با مستنصر در شرح احوال خلیفه فاطمی^{۴۶} و انکار این دیدار در شرح احوال حسن صباح^{۴۷} را از میان می‌برد و نشان می‌دهد که در چگونگی بهره‌گیری این منابع از سرگذشت بابا سیدنا با تأمل بیشتری باید نگریست.

به نظر می‌رسد که مؤلف دستور، دیدار حسن صباح با مستنصر را از یک منبع شفاهی نقل کرده است؛ همچنان که به نظر می‌رسد مأخذ اصلی او در شرح احوال نزار نیز چنین باشد. تأکید من بر این نکته به این دلیل است که بخش تاریخی دستور از معدود آثار نگاشته شده در جهان اسلام است که مؤلف آن بر ارجاع به منابع خود و بیان اختلاف آنها اصرار فراوان می‌کند؛ اصراری که به نظر من خصلتی ایدئولوژیک دارد و در پیوند با پس‌زمینه تاریخی نگارش این اثر، درخور بررسی است.

ترکیب میراث شعوبی / شیعی و آثار بیرونی و حمزه اصفهانی: ویژگی و خاستگاه

درنگ در بخش تاریخی دستورالمنجمین برمی‌نماید که مؤلف ناشناخته این اثر، به یادکرد منابع و مؤلفان مورد مراجعه خود، اصرار دارد و در واقع، آنرا با ارجاعات فراوان به منابع گوناگون به نگارش درآورده است.^{۴۸} به راستی، چرا اثری مانند دستورالمنجمین با چنین حجمی از ارجاعات به نگارش درمی‌آید؟

در میان مورخان جهان اسلام، چنین رویکردی را در آثار حمزه اصفهانی و ابوریحان بیرونی نیز می‌توانیم یافت؛ هرچند نه به گستردگی مؤلف دستورالمنجمین. و طرفه ماجرا این است که مؤلف دستور در نگارش بخش تاریخی این اثر، از هر دو آنان فراوان بهره گرفته است. بنابراین، می‌توانیم گفت که او در این کار از روش چنین مورخانی استفاده کرده و به سادگی از آنان پیروی کرده است. اما، آیا مسئله به همین جا ختم می‌شود؟

با درنگ در شیوه ارجاع مؤلف دستور به منابع خود و روش ترکیب این منابع در بخش تاریخی این اثر، درمی‌یابیم که پاسخ این پرسش، منفی است و برخورد امانت‌دارانه مؤلف دستور، ویژگی استراتژیک و خاستگاهی ایدئولوژیک دارد.^{۴۹}

برای بررسی بهتر این مسئله، بایسته است که نخست به منابع مورد استفاده او در بخش تاریخی، نگاهی بیفکنیم.

منابعی که مؤلف دستور در این بخش به بهره‌گیری از آنها تصریح کرده، فارغ از اندازه کاربردشان، عبارتند از:

منابع تنجیمی و نجومی: زیج الصّابی بتّانی (م ۳۱۷ق)،^{۵۰} العالمین ابوجعفر خازن (م ۳۶۰ق)^{۵۱}، التّفهیم و القانون المسعودی ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ق)^{۵۲}؛

منابع عمومی تاریخ در جهان اسلام تا عصر مؤلف: المعارف ابن قتیبه (م ۲۷۶ق)^{۵۳}، أخبار الطّوال دینوری (م ۲۸۲ق)^{۵۴}، تاریخ ابن واضح یعقوبی (م بعد از ۲۹۲ق)^{۵۵}، المذیل ابن جریر طبری (م ۳۱۱ق)^{۵۶} که البته همان تاریخ الزّسل والملوک او است، تاریخ سنی ملوک الأرض والانبیاء حمزه اصفهانی (م بعد از ۳۵۰ق)^{۵۷}، مختصر التّاریخ ابوالقاسم تمیمی (م؟ق)^{۵۸}، و تجارب الأمم ابوعلی مسکویه (م ۴۲۱ق)^{۵۹}؛

منابع تاریخ اسلام: المغازی ابن اسحاق (م ۱۵۱ق) و واقدی (م ۲۰۷ق)^{۶۰}؛ کتاب مقدّس^{۶۱} که به نظر من ای بسا ترجمان کهن عربی سعیدیا گائون (م حدود ۳۳۱ق) باشد. البته، این نظر به بررسی بیشتری نیاز دارد؛

کتابهای دعوت اسماعیلی و فاطمی: افتتاح الدّعوة و معالم المهدي قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۰ق)^{۶۲}، نسب آل محمد^{۶۳} که همانا کتاب المجدی لأنساب الطالبین نوشته نجم‌الدین ابوالحسن علی بن محمد علوی عمری (زنده ۴۴۳ق) است؛

کتابهای امامیه: کتاب العویص من المحاسن احمد برقی (م ۲۸۰ق) ۶۴، المغازی جعفر بن بشیر (م ۲۰۸ق) ۶۵، کتاب الرّجال أبو عمرو کثی (م بعد از ۳۰۰ق) ۶۶، الضیاء فی الامامة سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ق) ۶۷، کتاب النبوات ابن بابویه (م ۳۸۱ق) ۶۸؛

کتابهای ادبی و دانشنامه‌ای اسلامی: المبتداء ابو حذیفه قرشی (م ۲۰۶ق) ۶۹ و الملاحم ابراهیم بن حکم فزاری (م ۳۰۶ق) ۷۰ و مفاتیح العلوم خوارزمی (م ۳۸۷ق) ۷۱؛

نسخه اسماعیلی ترجمان عربی بلوهر و بوذاسف ۷۲ که بنا به پژوهش دانیل ژیماره از اواخر سده دوم هجری است ۷۳؛

شاه نامج فی تاریخ الفرس ۷۴ که با بررسی منابع موجود، دریافته‌ام که منظور از آن غرر أخبار ملوک الفرس ابومنصور حسین بن احمد مرغنی ثعالبی (م ۴۱۲ق) است که در فرازهایی خلاصه یا عین عباراتش نقل شده، نه یکی از ترجمه‌های عربی خدای نامه یا شاهنامه‌های ناموجود فارسی؛ چنان‌که برخی پژوهشگران بی‌مراجعه به متن دستور بر این باورند ۷۵؛

منابع شفاهی، که به نظر می‌رسد درباره روزگار مستنصر و نزار فاطمی از آنها بهره گرفته شده است.

بجز منابع شفاهی، از نظر آماری، مجموع این منابع، بیست و هفت عنوان است. از این شمار، پنج عنوان از آثار سده پنجم هجری، نه عنوان از آثار سده چهارم، هشت عنوان از آثار سده سوم هجری و پنج عنوان از آثار سده دوم هجری است و با توجه به تاریخ درگذشت مؤلفان آنها، گستره زمانی میان نیمه نخست سده دوم هجری تا نیمه نخست سده پنجم را دربرمی‌گیرند.

جدول زمان‌نگاشتی منابع شناخته شده بخش تاریخی «دستورالمنجمین»

سده دوم هجری	سده سوم هجری	سده چهارم هجری	سده پنجم هجری
ابن اسحاق (م ۱۵۱ ق): المغازی نسخه اسماعیلی ترجمان عربی بلوهر و بوذاسف از اواخر سده دوم هجری ابو حذیفه قرشی (م ۲۰۶ ق): المبتداء واقدی (م ۲۰۷ ق): المغازی جعفر بن بشیر (۲۰۸ ق): المغازی	ابن قتیبه (م ۲۷۶ ق): المعارف احمد برقی (م ۲۸۰ ق): کتاب العویص من المحاسن ابو حنیفه دینوری (م ۲۸۲ ق): أخبار الطوال ابن واضح یعقوبی (م بعد از ۲۹۲ ق): تاریخ ابوالقاسم تمیمی (م ؟ ق): مختصر التّاریخ سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ ق): الضیاء فی الامامة ابراهیم بن حکم فزاری (م ۳۰۶ ق): الملاحم بتّانی (م ۳۱۷ ق): زیج الصّابی (تألیف ۲۹۰ ق)	ابن جریر طبری (م ۳۱۱ ق): المذیل سعدیا گائون (م حدود ۳۳۱ ق): ترجمان عربی کتاب مقدّس أبو عمرو کثی (م حدود ۳۴۰ ق): کتاب الرّجال حمزه اصفهانی (م بعد از ۳۵۰ ق): تاریخ سنی ملوک الأرض والأنبیاء ابوجعفر خازن (م ۳۶۰ ق): کتاب العالمین قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۰ ق): افتتاح الدّعوة و معالم المهدی ابن بابویه (م ۳۸۱ ق): کتاب النبوات ابوعبدالله محمّد بن احمد بن یوسف کاتب خوارزمی (م ۳۸۷ ق): مفاتیح العلوم	ابومنصور حسین بن احمد مرغنی ثعالبی (م ۴۱۲ ق): شاهنامج فی تاریخ الفرس ابن مسکویه (م ۴۲۱ ق): تجارب الأمم ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ ق): التّفهیم و القانون المسعودی نجم الدّین ابوالحسن علی بن محمّد علوی عمری (زنده ۴۴۳ ق): نسب آل محمّد یا المجدی لأنساب الطالبین

دیگر نکته درخور توجه، پراکنش جغرافیایی مؤلفان این آثار است: پانزده عنوان از حوزه ایران، نه اثر از حوزه عراق و سه اثر از حوزه مصر ۷۶.

جدول پراکنش جغرافیایی منابع شناخته شده بخش تاریخی «دستورالمنجمین»

حوزه ایران	حوزه مصر	حوزه عراق
التفهیم و القانون المسعودی ابوریحان بیرونی (م ۴۴۰ ق) تجارب الأمم ابن مسکویه (م ۴۲۱ ق) شاهنامج فی تاریخ الفرس ابومنصور حسین بن احمد مرغنی تعالی (م ۴۱۲ ق) مفاتیح العلوم خوارزمی (م ۳۸۷ ق) کتاب النبوات ابن بابویه (م ۳۸۱ ق) کتاب العالمین ابوجعفر خازن (م ۳۶۰ ق)، تاریخ سنی ملوک الأرض و الأنبياء حمزه اصفهانی (م بعد از ۳۵۰ ق) الضیاء فی الامامة سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۰۱ ق) کتاب الرجال أبو عمرو کثی (م حدود ۳۴۰ ق) تاریخ ابن واضح یعقوبی (م بعد از ۲۹۲ ق) أخبار الطوال دینوری (م ۲۸۲ ق) کتاب العویص احمد برقی (م ۲۸۰ ق) المبتداء ابو حذیفه قرشی (م ۲۰۶ ق) نسخه اسماعیلی ترجمان عربی بلوهر و بوذاسف از اواخر سده دوم هجری	افتتاح الدعوة و معالم المهدی قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۰ ق) نسب آل محمد نجم الدین ابوالحسن علی بن محمد علوی عمری (زنده ۴۴۳ ق)	کتاب مقدس ترجمان سعیدیا گائون (م حدود ۳۳۱ ق) زیج الصابی بتانی (م ۳۱۷ ق) المذیل ابن جریر طبری (م ۳۱۱ ق) الملاحم ابراهیم بن حکم فزاری (م ۳۰۶ ق) المعارف ابن قتیبه (م ۲۷۶ ق) المغازی جعفر بن بشیر (م ۲۰۸ ق) المغازی واقدی (م ۲۰۷ ق) المغازی ابن اسحاق (م ۱۵۱ ق) مختصر التاریخ ابوالقاسم تمیمی (م ؟ ق)

از میان این آثار، مؤلف دستورالمنجمین در فصل هفتم مقاله دهم و پیش از ارائه جدولهای تاریخی، ترکیب منابع تاریخی را در بحث از «تاریخ فرس» می‌آغازد؛ آنهم با بهره‌گیری از آثار ابن قتیبه^{۷۷}، دینوری، یعقوبی، تمیمی، طبری، حمزه اصفهانی و شاهنامج فی تاریخ الفرس.

رویکرد او در ترکیب این منابع در بخش مباحث نظری و جدولهای این اثر متفاوت است. در بخش نظری اثر، یعنی فصل هفتم از مقاله دهم، نظر هر مؤلف را با یادکرد نام او آورده است؛ اما در بخش جدولها، چنانکه پیشتر یاد شد، رویکرد متفاوتی در پیش گرفته است. در اینجا، مؤلف با بهره‌گیری از رنگ برای نشانه‌گذاری نظر مؤلفان درباره مدت حضور هر یک از انبیاء و ملوک، می‌کوشد آنها را از هم تفکیک کند؛ و در بیشتر صفحات اثر، می‌بینیم که در توضیح احوال و اوضاع تاریخی ملوک و انبیاء، بر یادکرد نام مؤلفان اصراری ندارد و با برداشتی آزاد از آثار آنان، اثر خود را تألیف می‌کند، مگر در مواردی که می‌خواهد بر اختلاف منابع درباره موضوعی مشخص تأکید کند.^{۷۸} البته، در برخی فرازها، نظر مؤلفی را با ذکر نام او، و گاهی به رنگ مشخص شده برای همو، ذکر می‌کند؛^{۷۹} و گفتنی است که از شیوه نگارش او در چنین مواردی (گاهی در حاشیه متن و گاهی از درون متن به حاشیه آن^{۸۰}) برمی‌آید که این عبارتها پس از بازبینی اثر بدان افزوده شده است. در بخشهایی مانند زندگی پیامبر اسلام (ص)^{۸۱} هم می‌بینیم که به ذکر نام منابع خود در آغاز یک بخش بسنده می‌کند که در ادامه به این مسئله و چرایی آن بازخواهم گشت.

در این میان تنها یک استثنا وجود دارد: حمزه اصفهانی. چنین می‌نماید که مؤلف دستور چنان دل‌بسته این مورخ ایرانی‌گرا است که بر یادکرد او نه به نشانه رنگی بلکه به نام و در عباراتی مانند «قال حمزه» یا «مدته عند حمزه» یا «مدته علی قول حمزه»، در بخش مربوط به سال شمار ملوک و انبیاء (هذه أعمارهم) اصرار می‌ورزد؛ و حتا بیشتر، در سرفصل «جمل من أحوالهم» در جدولها نیز هر جا که مناسب و بهانه‌ای می‌یابد، نظر حمزه را به تصریح بازگو می‌کند.^{۸۲} و در مواردی، حتا می‌بینیم که به علت کمبود فضای مناسب، سخن حمزه را در حاشیه متن افزوده است.^{۸۳} در این میان، نکته جالب آن است که از شیوه نگارش او در اینجا برمی‌آید که سخن حمزه را نه پس از اتمام نگارش

و هنگام بازیابی اثر، بلکه به هنگام نگارش آن در متن نهاده بوده است؛ درست برخلاف شماری از نقل قولهای پراکنده و اندک‌ش از مؤلفان دیگر همراه با یادکرد نامشان.

به گمان من، دلیل این رویکرد را در رابطه‌ای می‌باید جست که حمزه در تاریخ سنی ملوک الأرض والانبیاء میان تاریخ و تنجیم برقرار کرده است. او اورتمن در مقاله منتشر نشده‌ای، ضمن پرداختن به ویژگیهای نسخه بازمانده دستورالمنجمین، با بررسی مقاله نهم این اثر در مباحث تنجیمی، و با بهره‌گیری از میراث اسماعیلی در این زمینه بنابر آثاری مانند الدور العطاردی، نشان داده است که گرایش به تبیین تاریخ جهان برپایه دوره‌های به هم پیوسته و بر مبنای داده‌های تنجیمی، در میان اسماعیلیان چنان جدی و قوی بوده است که نگارش دستور را نیز در همین راستا بتوان تفسیر کرد.^{۸۴} از دید من، نوع برخورد مؤلف دستور با حمزه اصفهانی، دلیل دیگری است بر اثبات مدعای او.

درباره حمزه، نکته جالب دیگری نیز وجود دارد: شماری از عبارتهای نقل کرده مؤلف دستور از او، در متن کنونی تاریخ سنی ملوک الأرض والانبیاء وجود ندارد. اینکه این تفاوتها در چه زمینه و بافتاری قابل فهم و تفسیر است، تنها پس از پایان یافتن ویرایش متن دستور و ممکن شدن سنجیدن آنها با نسخه‌های موجود از کتاب حمزه ممکن خواهد بود.

بررسی شکلی و نه ماهوی منابع دستور، دستامدهای دیگری نیز دارد. از آن جمله است توجهی که مؤلف این اثر به تاریخ ابن‌واضح یعقوبی نشان می‌دهد. اهمیت این توجه در آن است که به گرایش یعقوبی به ارائه طالع هر یک از خلفا به هنگام ذکر تاریخ نشستن آنان بر مسند خلافت، مربوط نمی‌شود؛^{۸۵} زیرا چنان‌که دیدیم، برای مؤلف دستور، خلفای اموی و عباسی مشروعیتی ندارند که رویکرد یعقوبی در این زمینه را جالب یافته باشد. پس علت چیست؟ آیا این توجه به گرایش شیعی ابن‌واضح بازمی‌گردد یا آنکه در پی علت دیگری می‌باید بود؟

از دید من، با درنگ در آنچه مؤلف دستور در بخش «ملوک الهند» اثر خود با نقل صفحاتی از تاریخ یعقوبی انجام داده است،^{۸۶} درمی‌توان یافت که علت اصلی این توجه، نگاه خاص یعقوبی به فرهنگهای پیرامونی جهان اسلام بوده است و ای بسا که به همین دلیل است که می‌بینیم مؤلف دستور پروا ندارد از اینکه با عدول از روش خود در نگارش تاریخ سیاسی، بخش ملوک هند خود را صرفاً از تاریخ ابن‌واضح و از نسخه اسماعیلی ترجمان عربی کتاب بلوهر و بوذاسف نقل کند و حتماً نظم متداول جدولهای خود را برهم زند. در واقع، حتماً در بخش تاریخ سیاسی دستور هم می‌بینیم که مؤلف هرگاه در پی بازنمود رخدادی فرهنگی است از تاریخ یعقوبی بهره می‌گیرد؛ چنان‌که در بخش ملوک نصرانی بیزانس، در بازنمود شورای نیقیه چنین می‌کند.

این توجه، در عین حال، نشان می‌دهد که برخلاف نظر فرانتس روزنتال، تاریخ یعقوبی در سده‌های بعد از نگارش آن به فراموشی سپرده نشده^{۸۷} و دست‌کم در برهه‌ای از زمان، در نگارش یک تاریخ جهانی نقشی مهم داشته است؛ چنان‌که اندکی پس از آن، نویسنده ناشناخته مجمل‌التواریخ والقصص نیز آشکارا از یعقوبی یاد کرده و از تاریخ او بهره گرفته است.^{۸۸}

درباره منابع تاریخی بخشهای گوناگون دستورالمنجمین بسی بیش از این می‌توان سخن گفت؛ با این حال، به یادآوری این نکته بسنده می‌کنم که اکنون تنها به واسطه این اثر است که بخشهایی از برخی از این منابع را در اختیار داریم؛ از آن جمله است کتاب العالمین ابوجعفر خازن.^{۸۹}

اینک می‌رسیم به مسئله چگونگی ترکیب منابع تاریخی در این یگانه اثر برجای مانده از روزگار حسن صباح. اما، پیش از ورود به این بحث، بایسته می‌دانم که بر نکته‌ای تأکید کنم: از دید من، چنان‌که پیش از این هم گفته‌ام، یکی از هدفهای مؤلف دستور آن بوده است که با ارائه یک اثر نجومی / تاریخی نزاری، برای آثار نجومی و نوشته‌های مورخان غیر نزاری جایگزینی بسازد تا نزاریان از مراجعه به آنها بی‌نیاز شوند.^{۹۰}

روشن است که برای رسیدن به چنین هدفی، او از پی‌ریزی نظامی مشخص برای ترکیب منابع تاریخی ناگزیر بوده است. و درست در همین جا است که چگونگی بهره‌گیری هم‌هنگام او از رویکردهای قاضی نعمان مغربی و ابوریحان بیرونی بعنوان دو نماینده برجسته ایرانگرایی (بیرونی) و تشیع اسماعیلی (قاضی نعمان) رخ برمی‌نماید. در واقع، در ترکیب روایت‌های تاریخی در دستور، مسئله اصلی، پیوند چند جانبه‌ای است که مؤلف از یکسو میان رویکردهای قاضی نعمان و بیرونی ایجاد می‌کند و از سوی دیگر در نوع گزینش مطالب از منابع گوناگون و سنجش آنها در پیوند با یکدیگر و چگونگی چیدمان آنها. ترکیب جالب مطالب القانون المسعودی و تاریخ یعقوبی و تاریخ سنی ملوک و دیگر منابع در بخش مربوط به پادشاهان نصرانی بیزانس نمونه جالبی از رویکرد او را در اختیار ما می‌نهد.

نکته درخور توجه در این میان آن است که مؤلف دستور به رغم بهره‌گیری از آثار قاضی نعمان در جدولهای بخش تاریخ اسلام^{۹۱}، تنها در فرازهای مربوط به تاریخ اسماعیلی است که به مناسبتی از کتابهای افتتاح الدعوة و معالم المهدي او یاد می‌کند و به رغم نقل فرازهایی از شرح الأخبار، ترجیح می‌دهد که از این اثر قاضی مغربی نامی به میان نیاورد؛ و جالب است که در سراسر بخش مربوط به تاریخ ائمه اسماعیلی و خلفای فاطمی تا عهد نزار، این سکوت عجیب درباره منابع را می‌بینیم. بنابراین، نمی‌توانیم گفت که علت این سکوت، آشنایی خوانندگان نزاری با منابع اسماعیلی در این‌باره بوده است؛ بویژه که پیش از این دیدیم مؤلف دستور با نوشتن این کتاب در پی دستیابی به هدفهای چند بوده است؛ و ای بسا در اینجا هم بر آن بوده است که با تأکید بر منابع اسماعیلی، خشم خوانندگان و نویسندگان احتمالی اهل سنت را برنیزد و آنان را به واکنش فوری و اندارد. این را از آن‌روی گفتم که اکنون در روشن‌ان پژوهش نوشته فرانتس روزنتال می‌دانیم اهل سنت بر سرهم به نیت مورخان غیر سنی خوشبین نبوده‌اند^{۹۲}؛ و در بیان این بدبینی صراحت داشته‌اند؛ بویژه در برخورد با میراث اسماعیلی؛ تا آنجا که حتا پس از برافتادن دولت فاطمی مصر و سقوط نزاریان الموت هم بر این بدبینی اصرار و بدان تصریح می‌کرده‌اند.^{۹۳}

در واقع، استفاده مؤلف دستور از روایتهای موازی برای مقاصد گوناگون را نیز در چنین بافتاری می‌توان ارزیابی کرد. او چنین روایتی را بیشتر با دو هدف به کار گرفته است:

گاهی برای عادی نشان دادن استفاده از منابع فرقه‌هایی که با اسماعیلیه دشمن هستند و شاید جلب دوستی آنها یا محکوم کردنشان؛

و گاهی برای نشان دادن پیوندهای هویتی با دیگر مذاهبی که دشمن خلافت عباسی و حکومت سلجوقی هستند.

شاید بهترین نمونه از ترکیب نوع اول، آنجا باشد که مؤلف دستور، روایتهای برخی نویسندگان شیعی را با دیگر مؤلفان اهل سنت درهم می‌آمیزد. نمونه جالب چنین ترکیبی در شرح حال پیامبر اسلام (ص) آمده است که روایتهای ابن‌واضح یعقوبی و ابن‌قتیبه و ابن‌جریر طبری و شیخ صدوق را یکسان در نظر می‌گیرد و بی‌داوری درباره مطالب آنها، تنها اشاره می‌کند که مأخذ اصلی سخن او این آثار است.

اهمیت این نکته آنجا آشکار می‌شود که او در ذکر اختلاف منابع گوناگون با یکدیگر و سواسی ستودنی دارد؛ چنان‌که در ذکر اختلاف مدت پادشاهی اشکانیان در منابع گوناگون چنین می‌کند^{۹۴} و این مسئله را در جای‌جای اثر می‌بینیم. البته، ای بسا که قصد او از این کار، جلب اعتماد خواننده اثر خود از صحت مطالبش باشد، و در همان حال، مجال ندادن به دشمنان نزاریه که آنان را به جعل تاریخ متهم کنند.

از گروه دوم هم، برای نمونه می‌توان به روایتهایی استناد کرد که در آنها شاهان ایرانی و یهودی را یکسان برمی‌شمارد. در گفتار پیشین اشاره کردم که ملیحه کرباسیان با استناد به گزارش بنیامین بن یونا درباره همکاری چهار گروه یهودی با نزاریان الموت، نشان داده است که هدف مؤلف دستور المنجمین از این کار، اعلام پیوندهای هویتی نزاریان ایرانگرا و یهودیان مخالف خلافت عباسی و دولت سلجوقی بوده است نه بی‌خبری یا کم‌اطلاعی مؤلف دستور از میراث ایران‌باستان^{۹۵}؛ زیرا او در جای دیگری از اثر خود^{۹۶}، درباره شاهان اساطیری و تاریخی ایران از روزگار پیشدادی تا دوران اشکانی و ساسانی اطلاعات درست و ارزنده‌ای به دست می‌دهد.

مسئله دیگر در دستور المنجمین، استناد مؤلف به روایتهای دو کتاب مهم امامیه است در تأیید امامت اسماعیلی از زبان امامان هفتم و هشتم امامیه: کتاب الضیاء فی الامامة از سعد بن عبدالله اشعری^{۹۷} و رجال ابوعمرو کشی^{۹۸}. اهمیت این مسئله در آن است که از این دو منبع، اکنون از کتاب الضیاء اثری در دست نیست و در نسخه‌های موجود از رجال کشی هم روایت نقل کرده مؤلف دستور وجود ندارد.

محمد قزوینی این نقل‌قولها را جعلی و ساخته نزاریه می‌داند.^{۹۹} با این حال، بر رأی او از چند نظر می‌توان خرده گرفت: نخست اینکه با توجه به یادکرد شیخ صدوق و شیخ طوسی و ابن‌شهر آشوب در معالم العلماء از این کتابها، می‌توان گفت که هر دو آنها، و بویژه کتاب الضیاء تا سده پنجم و ششم هجری در اختیار مؤلفان امامی بوده است. بنابراین، طبیعی است که اصرار مؤلف دستور حتا می‌توانسته است به زیان او باشد و صرف اینکه بگوییم دستور المنجمین کتابی درون فرقه‌ای بوده است و خوانندگانی خاص داشته، گرهی از کار ما نمی‌گشاید؛ زیرا در این صورت نیازی نبوده است تا بر کاربرد عبارت «رضی الله عنه» به جای «علیه السلام» برای علی بن ابی‌طالب و جانشینان او تا ائمه اسماعیلی اصرار کند.

از سوی دیگر، اکنون می‌دانیم که موضوع اصلی کتاب الضیاء اختلافات فرقه‌های امامی در دوران واپسین امامان بوده و از اشارتهای مؤلفان امامی مانند نجاشی و شیخ طوسی و ابن‌شهر آشوب^{۱۰۰} برمی‌آید که این کتاب از تاریخ

امامان هم بحث کرده بوده است.^{۱۱} ای بسا که مؤلف دستور هم در اثر خود این نقلها را از قول مخالفان امامیه گرفته باشد و آنها را برای خاموش کردن اعتراضات امامیه، و شاید برای حجت آوردن از میراث امامیان برای خودشان، بی ذکر گوینده اصلی خبر آورده باشد.^{۱۲}

در مورد رجال کُشی هم می‌دانیم که از روزگار تألیفش به علت روایتهای غلوآمیزش شهرت داشته است و حتّاً شیخ طوسی منتخبی از آنرا تهیه می‌کند که تا روزگار ما همان مانده است؛ این کتاب در گذر زمان چند بار بازبینی و اصلاح شده است.^{۱۳} بدین سان، طرح این پرسش بجا خواهد بود که آیا چنین اصلاحاتی در سده‌های بعد با هدف زدودن چنین روایتی از متن انجام شده است^{۱۴} و آیا می‌توان چنین استنباط کرد که مؤلف دستور هم مانند رضی الدین علی ابن طاووس (م ۶۶۴ق) و شهید اول شمس الدین محمد مکی (شهید ۷۸۶ق) به نسخه اصلی کتاب دسترسی داشته و نه تلخیص شیخ طوسی از آن؟

یادداشتها

1. Dustūr, fols. 241a- 243b.
2. Dustūr, fols. 243b-244a.
3. Dustūr, fols. 244a- 246a.
4. Dustūr, fols. 246a-247a.
5. Dustūr, fols. 247a-249b.
6. Dustūr, fols. 249b-251a.
7. Dustūr, fols. 251a-346b.
8. Dustūr, fols. 256b.

۹. متن کامل این جدول، در پیوست همین مقاله نقل شده است.

۱۰. بسنجید با آنچه روزنتال درباره کتاب التنبیه والاشراف مسعودی می‌گوید: Rosenthal 1968, p. 136

11. Dustūr, fols. 257a.

۱۲. نک: خرقی نسخه شماره ۶۴۱۴، برگ ۴۱ پ.

برای یکی از آخرین پژوهشهای انجام شده درباره خرقی و این کتاب او نک: حائری ۱۳۸۱ ش، صص ۴۴۵-۴۳۷.

۱۳. نک: Rosenthal 1968, pp. 136-137; Yarshater 1983, p. 362; Bosworth 1998, p. 227

۱۴. با درنگ در جدولهای تاریخی دستورالمنجمین و شیوه نگارش مطالب آنها، درمی‌یابیم که صفحات پیش از نگارش متن، خط‌کشی و آماده شده بوده است. اکنون برپایه نسخه‌های موجود و اشارتهای منابع کهن، می‌دانیم که در سنت کتاب‌آرایی دیوانی، از روزگار تیموری به بعد هم «جدول‌کشانی» بوده‌اند که زیرنظر کتابدارباشی کار می‌کرده‌اند و به واسطه گزارش کمپفر، از حضور آنان در روزگار صفوی نیز آگاهیم. نک: مایل هروی ۱۳۸۰ ش، ص ۱۳۲.

از دید من، دستورالمنجمین یکی از کهن‌ترین نمونه‌های این سنت را پیش روی ما نهاده است. نمونه دیگر آن، نسخه القانون المسعودی نوشته شده در ۵۰۱ هجری است که اکنون به شماره ۶۸۴۰ در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است.

15. Ross 1922, pp. 392-413; Rosenthal 1968, p. 98.

۱۶. گفتنی است که در بخش ملوک هند، مؤلف مطالب خود را که بیشتر برگرفته از تاریخ ابن‌واضح یعقوبی و نسخه اسماعیلی کتاب بلوهر و بوذاسف است، به شیوه عادی کتابت کرده است. نکته جالب این است که این کتابت را بر روی جدولهایی می‌بینیم که بیشتر برای نگارش این بخش مانند دیگر بخشها آماده شده بوده است.

۱۷. این نشان می‌دهد که برخلاف نظر فرانتس روزنتال (1968, p. 145)، دستورالمنجمین قدیمی‌ترین تقویم تاریخی مُجدول را در سده یازدهم میلادی مورد توجه قرار می‌دهد.

۱۸. بسنجید با نظر دفتری (1992, pp. 91-97) در این باره.

۱۹. بیرونی ۱۹۲۳م، صص ۷۳ به بعد؛ همو ۱۳۸۰ ش، صص ۸۲ به بعد.

۲۰. نک: بیرونی ۱۹۵۵م، ص ۱۴۸.

۲۱. گفتنی است که در بخش تاریخی دستور کمترین اشارتی به خراسان و طبرستان نیست مگر در بخش ایران باستان، درست برخلاف تاریخ سنی ملوک حمزه اصفهانی. برای حمزه نک:

Rosenthal 1968, p. 137

Rosenthal 1968, p. 137

۲۲. برای الگوی حمزه نک:

به نوشته روزنتال، قصد حمزه اصفهانی در تاریخ سنی ملوک الأرض والانبیاء، بیشتر ارائه تاریخ زمان نگاشتی ملت‌هایی بوده که می‌شناخته است: ایرانیان، رومیان، یونانیان، قبطیان، بنی‌اسرائیل، لخمیان، غسانیان، اهل یمن، اهل کنده و مسلمانان. در واقع، حمزه مطالب کتاب خود را با پیروی از روش منجمان در برخورد با داده‌های تاریخی تنظیم می‌کند؛ چنان‌که پس از او، چنین رویکردی را در آثارالباقیه بیرونی شاهدیم که به نوشته حمزه توجه خاصی دارد.

۲۳. مقایسه تطبیقی شمار صفحه‌های اختصاص یافته به هر یک از دوره‌ها در دستورالمنجمین با منابع آن نیز مهم می‌تواند بود؛

- که البته از مجال سخن من در اینجا بیرون است.
- * این ابوالقاسم تمیمی باید همانی باشد که در سده سوم هجری میزیسته است و خطیب بغدادی در تاریخ بغداد خود (۱۹۹۷م، ج ۹، ص ۳۶۸، ذیل شماره ۴۹۲۹) از او چنین نقل میکند:
- «۴۹۲۹. الطیب بن علی، أبوالقاسم التمیمی الوراق، یلقب مغلی:
- سمع محمد بن جعفر النوفلی، وأبوعبدالله نفظویه، وغیرهما. روی عنه أبو بکر ابن شاذان، وأبوعبدالله المرزبانی. أخبرنا الریاشی عن الأصمعی قال: خطبنا أعرابی بالبادیة فحمدالله، وأثنى علیه، ووحده واستغفره، وصلى علی نبیه فبلغ فی إیجاز، ثم قال: أیها الناس إن الدنيا دار بلاغ، والأخرة دار قرار، فخذوا لمقرکم من ممرکم، ولا تهتکوا أستاذکم عند من لا تخفی علیه أسرارکم، فی الدنيا أنتم ولغیرها خلقتم، أقول قولی هذا واستغفر الله، والمصلی علیه رسول الله صلی الله علیه وسلم، والمدعو له الخلیفه والأمریر جعفر بن سلیمان».
۲۴. از میراث فاطمی برای نمونه از برخی آثار حمیدالدین کرمانی و مؤیدالدین شیرازی و ناصرخسرو می توان یاد کرد که بدین شیوه کتابت شده اند؛ از جمله کتاب المسائل السبعون مؤیدالدین در نسخه شماره ۱۱۳۰ مجموعه زاهدعلی در مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن مورخ ۱۲۶۷ هجری که در آن از رنگهای سیاه و قرمز و زرد استفاده شده است (نک: Cortese 2003, p.114) و خوان الاخوان ناصرخسرو در نسخه شماره ۱۷۷۸ کتابخانه ایاصوفیا در استانبول مورخ ۸۶۴ هجری که در آن رنگهای سبز و شنگرف و سیاه به کار رفته است.
- از میراث دروزیه نیز برای نمونه به مجموعه رسائل دروزی از حاکم بامرالله و حمزة بن علی در نسخه شماره ۹۰۸۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مورخ سده هفتم هجری می توان اشاره کرد که در آن برای مشخص کردن و تفکیک برخی عبارتها از رنگهای شنگرف و سبز استفاده شده است.
۲۵. بنا به گزارش نجیب مایل هروی (۱۳۸۰ش، صص ۲۱۳-۲۱۲) در نسخه خطی این اثر که به شماره ۱۳۷۸۹ در کتابخانه گنجبخش پاکستان محفوظ است، از شش رنگ مرکب به این شرح استفاده شده است:
۱. مرکب سیاه برای کتابت متن؛ ۲. نیلی یا آبی برای کتابت اشعار و واژه های پرسامد سؤال، جواب و گوئیم؛ ۳. مرکب سیمین (نقره ای) برای کتابت نام پادشاه عصر، الجایتو و شهرت او؛ پادشاه اسلام؛ ۴. زر حل برای کتابت فرامین و گفتارهای پادشاه مذکور؛ ۵. شنگرف (سرخ) برای نوشتن احادیث نبوی و اقوال مشایخ و امثال و جدول دو خط نسخه؛ ۶. مرکب درهم سرخ و سیاه برای کتابت آیات قرآن».
۲۶. در این نسخه (به شماره ۲۲۹۴ کتابخانه مجلس شورا در تهران) که گویا در روزگار خواجه رشیدالدین فضل الله کتابت شده است، برای تعیین سرعنوانها و متن، رنگهای سیاه، نیلی، شنگرف، زر حل، سبز به کار رفته است.
۲۸. در برگ «۸۹پ» این نسخه از حسن صباح به تصریح به «قدس الله روحه» یاد شده است و از مستنصر فاطمی به «امام لذکره السلام».
۲۹. نک: بدخشانی ۱۳۹۰ ش، صص یکصد و سه - یکصد و چهار، یکصد و بیست و یک.
۳۰. مسکویه تاریخ سیاسی را بعنوان رویدادی با اهمیت در تاریخ عالم به اختصار مورد بحث قرار می دهد. نک: Rosenthal 1968, pp.141-142; Bosworth 1998, pp.228-229
۳۱. ابوریحان (بیرونی، ۱۹۲۳م، ص ۱۰۰؛ همو ۱۳۸۰ ش، ص ۱۱۵) به این مسئله چنین تصریح کرده است: «ولکن المقصد فیما نحن بسبیله هو تحصیل التواریخ لا انتقاد الأخبار».
۳۲. ملیحه کرباسیان در مقاله خود (۲۰۱۱) این مسئله را در ارزیابی مؤلف دستورالمنجمین از تاریخ اشکانیان به خوبی برنموده است (برای متن فارسی این مقاله نک: کرباسیان ۱۳۹۵ ش).
۳۳. درباره این الگو نک: Rosenthal 1968, p.134
34. Dustūr, fols. 309a- 309b.
- برای نظر ماشاءالله و بتانی درباره طالع تولد و بعثت پیامبر اسلام(ص) نک: Rosenthal 1968, pp. 73, 156; Kennedy 2009-2010, pp. 40-45
35. Dustūr, fols. 316a.
36. Dustūr, fols. 330b.
۳۷. در صفحه دوم شرح حال علی بن ابی طالب(ع) (برگ ۳۳۱رو)، مطالب به شیوه عادی و بی جدول، در داخل یک قاب کتابت شده است.
۳۸. در نسخه خطی، این سرعنوان به رنگ سیاه کتابت شده است.
۳۹. برای نمونه نک: Dustūr, fols. 334b
40. Dustūr, fols. 336a-336b, 338a.
41. Dustūr, fols. 343b.
۴۲. این شرح مشتمل است بر تصریح شادمانی مستنصر فاطمی از تولد نزار و تصریحش بر جانشینی او و قصه راهبی که در کارزاری به همراه نزار شهید شد و نام دو تن از فرزندان نزار، امیر ابوعبدالله حسین و امیر ابوعلی حسن. برای متن آن نک:

قزوینی ۱۳۴۵ش، صص ۱۲۶-۱۲۴.

43. Dustūr, fols. 335b-340b.

۴۴. دربارهٔ بساسیری و رخداد فتح بغداد به دست او و پیامدهای آن، در پژوهشهای جدید نک: منظورالاجداد ۱۳۸۱-۱۳۸۰ ش، صص ۱۰۹-۸۷؛ Canard 1960, pp.1073-1075.

45. Dustūr, fols. 343a.

۴۶. نک: رشیدالدین ۱۳۳۸ ش، ص ۷۷؛ کاشانی ۱۳۶۶ش، ص ۱۱۴.

گفتنی است که ابن اثیر هم در *الکامل فی التاریخ* (۱۹۶۶م، ج ۱۰، ص ۲۳۷) بر دیدار حسن صباح و مستنصر فاطمی تأکید کرده است.

۴۷. نک: رشیدالدین ۱۳۳۸ش، ص ۱۰۱؛ کاشانی ۱۳۶۶ش، ص ۱۳۷.

۴۸. در واقع، اکنون به علت این رویکرد اوست که به این اثر بعنوان دستمایه مناسب و سندی ارزشمند برای آگاهی از آثار موجود در الموت روزگار حسن صباح می توان نگریست. نک: Karimi2010, p. 227.

۴۹. نک: Karimi 2010, p. 227.

50. Dustūr, fols. 263a, 309b.

51. Dustūr, fols. 248b-249a, 252b-253b.

52. Dustūr, fols.241a-248a, 251b- 252a, 262a, 263a.

53. Dustūr, fols. 256b,259b, 267a, 290b, 295b, 298a, 303b, 309a, 316a.

54. Dustūr, fols. 259a, 263a, 297b.

55. Dustūr, fols. 258b, 259b, 261a-261b, 263a, 269a, 270a, 277a, 280b, 281b, 291b, 298a, 299b, 303b, 309a, 316a and etc.

56. Dustūr, fols. 256b, 258b-259a, 263a, 269a, 277a, 298a, 303b, 309a, 316a.

57. Dustūr, fols. 256a, 257a-259b, 270a, 277b-283b, 284b- 285a, 287a- 289b, 290b-291a, 294a-295b, 297a- 299b, 301a-301b, 304b, 307a, 308a- 308b.

58. Dustūr, fols. 258b, 263a, 291a, 295a.

59. Dustūr, fols.341b.

60. Dustūr, fols. 316a, 318a.

61. Dustūr, fols. 263a, 273b-275a.

62. Dustūr, fols. 335a.

نیز نک: قزوینی ۱۳۴۵ش، ص ۱۱۷. او به اشتباه «معالم المهدی» را «معالم الهدی» خوانده است.

63. Dustūr, fols. 334b.

64. Dustūr, fols. 256a.

65. Dustūr, fols. 316a,324b.

66. Dustūr, fols. 344b.

67. Dustūr, fols. 344a.

68. Dustūr, fols. 303b, 309a.

69. Dustūr, fols. 256b, 263a.

70. Dustūr, fols.335a.

گویا این اثر فزاری تا پایان سدهٔ ششم هجری موجود بوده است؛ چنان که ابن شهر آشوب در *معالم العلماء* (۱۳۵۳ق، ص ۵) از آن یاد کرده است.

71. Dustūr, fols. 277b, 284b- 285a, 293b, 294b- 295a, 298a, 299a.

72. Dustūr, fols. 292a- 293a.

73. Gimaret 1971, pp. 38-41,63.

74. Dustūr, fols. 259a- 259b, 263a.

۷۵. نک: آیدنلو ۱۳۸۳ ش، صص ۱۱۱-۱۱۰.

آیدنلو به صرف یادکرد محمد قزوینی از این «شاهنامج» و حدسهای آن شادروان، احتمال داده است که منظور از این کتاب، شاهنامهٔ مسعودی مروزی یا شاهنامهٔ ابوالمؤید بلخی بوده باشد و با توجه به «تفصیل متن مشور ابوالمؤید و اختصار منظومهٔ مسعودی»، اثر ابوالمؤید را محتمل تر دانسته است!

شادروان قزوینی (۱۳۴۵ش، صص ۱۱۶-۱۱۵، پی نوشت ۲) در نوشتهٔ خود، تنها به جست و جوی شاهنامه‌ای برآمده است که ثعلبی از آن یاد می کند. از همین روی هم، با دریغ، متن دستور را با *غرر أخبار ملوک الفرس* نسنجیده است.

۷۶. در واقع، درنگ در پراکنش جغرافیایی و تعداد آثار ایرانی مورد استفادهٔ مؤلف *دستورالمنجمن* نیز دستامد دیگری است برای به چالش کشیدن نظر زیمرمن (و تکرار نظر او توسط دیوید کینگ) دربارهٔ محل نگارش این اثر در سوریه. نک:

Zimmermann 1978, p. 185 ff; King 1999, p. 158, note1

۷۷. که در تمام متن او را «القتیبی» نامیده است.

۷۸. برای نمونه نک: Dustūr, fols. 291a, 293b.

۷۹. برای نمونه نک:

.Dustūr, fols. 280b, 281b, 290b, 295b, 297a, 299a, 299b, 300b, 328a, 330a

۸۰. برای نمونه نک:

Dustūr, fols. 277b (Kh^wārazmī), 285a (Kh^wārazmī)

81. Dustūr, fols. 309a, 316a.

۸۲. در مواردی انگشت شمار، از مورخان دیگری مانند ابوحنیفه دینوری و ابن واضح یعقوبی و ابن جریر طبری و خوارزمی نیز به نام نقل شده است.

Dustūr, fols 281b

۸۳. برای نمونه نک:

84. Orthmann 2011.

البته او توجه دارد که مؤلف دستور در مقالت نهم، نظریه ادوار را به چالش کشیده است.

85. Rosenthal 1968, p. 134.

۸۸. مجمل التواریخ و القصص ۱۳۱۸ ش، صص ۲۲۹، ۲۷۱، ۲۷۸.

۸۹. به نظر می‌رسد که در نیمه نخست سده ششم هجری توجه به آثار خازن رواج داشته است؛ چنان‌که اکنون از بهره‌گیری عبدالجبار خرقی از نوشته‌های خازن در *منتهی الإدراک* آگاهیم؛ که نقل نقد خازن بر کتاب *القرانات* محمد بن عبدالله بن عمر بازیار درباره فاصله هبوط آدم و طوفان نوح (خرقی نسخه شماره ۶۴۱۴، برگ ۵۵ پ - ۵۶ رو) یکی از این موارد است.

گفتنی است که فرازهای دیگری از کتاب *العالمین* را نیز ابن ابی الحدید در شرح *نهج البلاغه* خود نقل کرده است. 90. Karimi 2010, p. 226.

از یاد نبریم که نزاریان به وقایع‌نگاری اهتمام ویژه داشته‌اند (Daftary 1992, pp. 93-96) و اکنون برپایه گزارش جوینی (۱۹۳۷-۱۹۱۲ م، ج ۳، صص ۲۱۵-۲۱۴) مبنی بر دیدن چند فرمان و منشور از سلطان سنجر سلجوقی در کتابخانه الموت، می‌توانیم گفت که این کتابخانه، دیوان اسناد هم داشته است.

۹۱. توجه به آثار قاضی نعمان در روزگار مستنصر فاطمی هم ادامه داشت؛ چنان‌که در *المجالس المستنصریه* قاضی ملیجی - نوشته بین سالهای ۴۴۶ تا ۴۵۵ هجری - هم، فرازهایی از *دعائم الاسلام* و *تأویل دعائم الاسلام* او را می‌توان دید. برای نمونه نک: ملیجی ۱۹۴۷ م، ۷۱؛ قاضی نعمان ۱۹۸۲ م، ج ۳، ص ۶۱.

محمد کامل حسین هم در مقدمه اثر ملیجی (صص ۲۳-۲۲) به این نکته اشاره کرده است. گفتنی است که نخستین بار اشترن بود که نویسنده اصلی *المجالس المستنصریه* را تشخیص داد. نک: Stern 1972, pp. 439-440.

92. Rosenthal 1968, p. 65.

۹۳. چنان‌که ابن واصل (م ۶۹۷ ق) در *مفرج الکروب فی أخبار بنی أیوب* (م ۱۹۵۳، ج ۱، ص ۲۰۶) در این باره چنین می‌نویسد: «وَأَمَّا مَذَاهِبُهُمْ، فَدَعْوَتُهُمْ بَاطِنِيَّةٌ إِسْمَاعِيلِيَّةٌ، وَعِنْمَهُمْ انْتِشَارُ دَعَاةِ الْمَلَا حِدَةِ الْبَاطِنِيَّةِ فِي الْأَفَاقِ، وَهَذِهِ الْمَقَالَةُ مَعْرُوفَةٌ فِي كُتُبِ الْمَقَالَاتِ وَالْأَصُولِ، فَلَا مَعْنَى لِإِبْدَاعِهَا كُتُبِ التَّأْرِيخِ».

۹۴. اصل سخن مؤلف دستور (برگ ۲۵۹ پ) در این باره چنین است:

و ملوک الطوائف

قال ابن جریر مدّة ملوک الطوائف ۲۶۰ وقیل ۲۳۷ و قیل ۲۶۶ و عند النّصاری و أهل الكتاب ۵۲۳.

وقال ابن واضح مدّتهم ۲۶۶ و قال القتیبی والتیمی مدّتهم ۴۶۵ و قال التیمی مدّتهم ۲۸۱ وقیل ۳۰۰ و فی الشّاهنامج ۴۱۲ منها مدّة الأشکانیة و فی التواریخ لحمزة الاصفهانی فی مدّة الأشغانیة ۳۴۴ و فی روایة أخرى ۴۶۳.

۹۵. برای متن فارسی این مقاله نک: کرباسیان ۱۳۹۵ ش.

96. Dustūr, fols. 282b-292a.

97. Dustūr, fol. 344a.

98. Dustūr, fol. 344b.

۹۹. قزوینی ۱۳۴۵ ش، ص ۱۱۷.

۱۰۰. نجاشی (۱۴۱۶ ق، ص ۱۷۷) از آن با عنوان «کتاب الضیاء فی الرّد علی المحمّدیّه والجعفریّه» یاد کرده است و شیخ طوسی (۱۴۱۷ ق، ص ۱۳۵) با عنوان «کتاب الضیاء فی الإمامة». در نوشته ابن شهر آشوب هم با عنوانهای «کتاب الضیاء فی الإمامة» (۱۳۵۳ ق، ص ۸۹) و «کتاب الضیاء فی الرّد علی المتحیرین فی الإمامة» (همانجا، ص ۱۷۸) ذکر شده است.

۱۰۱. رحمتی (۱۳۸۳ ش، ص ۵۶) بر فهرست مؤلفان امامی، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) و نقل او از کتاب اشعری را افزوده است. با این حال، با مراجعه به نوشته صدوق (۱۴۰۵ ق، ج ۱، صص ۴۴-۴۰) تنها یادکرد او از سعد بن عبدالله را می‌بینیم و به کتاب او تصریحی نشده است.

۱۰۲. بسنجید با نظر حسن انصاری (۱۳۹۰ ش، ص ۷۲۱) که از «تصرّف مؤلف دستور در نقل از کتاب الضیاء به حسب عقیده‌اش» یاد کرده است!

۱۰۳. با مراجعه به کتاب الرجال نجاشی نیز نقلهایی از کتاب رجال کشی را می‌توان دید که در متن کنونی آن موجود نیست؛ از جمله ذیل این نامها: أبان بن تغلب، اسماعیل بن مهران، حسن بن علی بن فضال، حسین بن اشکیب.

۱۰۴. از میان علمای متأخر شیعه، محدث نوری (م ۱۳۲۰ ق) (۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۲۸۹) به استناد نقل عبارات و روایتهایی از رجال ابو عمرو کشی در آثار ابن طاوس و مناقب ابن شهر آشوب و رجال ابن داود و حاشیه تلخیص المقال میرزا محمد، که در نسخه کنونی رجال کشی وجود ندارد، بر بازبینیها و حذفهای مکرر مطالب این کتاب اصرار می‌ورزد.

پیوست : جدول يشهد على اختلاف أقاويل فيما بين المبادئ وما عليه القرار في سياقه التاريخ
إنما بحسب اتفاق الأقاويل أو تجارب التفاصيل

ما بين المبادئ المشهورة	أهل الكتاب		المذيل لابن جرير الطبري	المعارف للقتيبى	المبتدا لأبي حذيفة القرشى	المعتمد من جميع ذلك وسياقه التاريخ
	زمانية اليهود	النصارى				
ما بين آدم والطوفان	١٦٥٦	٢٢٤٢	٢٣٥٦ وقيل ٢٢٠٠ وقيل ٨٠٠ وقيل ١٠٠٠ عشر قرون	٢٢٤٢	١٠٠٠	٢٢٤٢
ما بين آدم وإبراهيم		٢٣٢٣	٣٣٢٧			٢٣٢٣
ما بين آدم والإسكندر	٣٤٤٩	٥١٨٠				٥١٨٠
ما بين آدم والهجرة	٤٣٨١	٦١١٢	٥٩٩٢ وقيل ٤٦٤٢ وقيل ٣١٣٩ وقيل ٥٥٥٣ وقيل ٤١٩٢			٦١١٢
ما بين نوح وهود					٣٠٠	٣٠٠
ما بين نوح وإبراهيم	٢٩٢	١٠٨١	١٠٧٩ وقيل ١١٤٣ وقيل ٨٩٠ وقيل ١٠٠٠ عشرة قرون وقيل ١٢٦٣		٧٠٠	١٠٨١
ما بين نوح والإسكندر	١٧٩٣	٢٩٣٨				٢٩٣٨
ما بين هود وصالح			٥٠٠		١٠٠	٤٨١
ما بين صالح وإبراهيم			٦٣٠		٣٠٠	٣٠٠
ما بين إبراهيم	٥٠٠	٥٠٥	٥٧٥ وقيل ٥٦٥ وقيل ١٠٠٠	٧٠٠		٥٠٥

على قول ابن بابويه ١٥٠٠
ما بين نوح وإبراهيم

						و خروج موسی من مصر
۱۸۵۷				۱۸۵۷	۱۵۰۱	ما بین ایرهمیم والإسکندر
۶۱۰			۶۳۶ وقیل ۵۵۰	۶۱۰	۴۸۰	ما بین خروج موسی من مصر و بناء بيت المقدس
۱۳۵۲				۱۳۵۲	۱۰۰۱	ما بین موسی والإسکندر
۱۶۹۶	۵۰۰	۱۷۰۰	۶۰۰ وقیل ۱۹۷۳	۱۹۰۰		ما بین موسی وعیسی
۴۴۱			۴۴۶	۷۴۱	۴۱۰	ما بین بناء بيت المقدس وتخریب بختنصر آباء
۷۴۲			ما بین تخریب بيت المقدس	۷۱۷	۳۰۱	ما بین بناء بيت المقدس والإسکندر
۳۰۱			وولادة یحیی والمسیح ۴۶۱	۹۲۵ وقیل ۴۳۶	۱۱۱	ما بین تخریب بيت المقدس والإسکندر
۱۲۳۳			۱۰۰۰			ما بین

					تخریب بیت المقدس والهجرة
۲۳۱				۳۰۱	مابین عود بنی اسرائیل الی بیت المقدس
۳۴۴			۶۵ وقیل ۵۱ وقیل ۳۶۳ وقیل ۳۰۳ وقیل ۵۱		مابین الإسکندر والمسیح
۹۳۲					مابین الإسکندر والهجرة
۵۸۸	۴۵۰ وقیل ۴۰۰	۶۲۰	۶۱۸ وقیل ۵۶۴ وقیل ۵۶۹ وقیل ۵۸۵ وقیل ۶۰۰		مابین المسیح والهجرة

فهرست منابع

- آیدنلو، سجاد (۱۳۸۳)، «تأملاتی درباره منابع و شیوه کار فردوسی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، ش ۴۷، ش ۳. پاییز ۱۳۸۳، صص ۱۴۸-۸۵.
- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۹۶۶)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت.
- ابن بابویه، صدوق محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم.
- ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۵۳ق)، *معالم العلماء*، به کوشش عباس اقبال، تهران.
- ابن واصل، جمال الدین محمد بن سالم (۱۹۵۳)، *مفرج الکروب فی أخبار بنی آیوب*، به کوشش جمال الدین شبّال، قاهره.
- انصاری، حسن (۱۳۹۰)، «تاریخ الأئمة سعد اشعری و کتاب الضیاء او» *بررسیهای تاریخی* (مجموعه نود مقاله و یادداشت)، تهران، صص ۷۲۳-۷۱۹.
- بدخشانی، سید جلال حسینی (۱۳۹۰)، «مقدمه مصحح»، *دیوان قائمیات*، سروده حسن کاتب، با مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی، به کوشش سیدجلال حسینی بدخشانی، تهران.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (۱۹۲۳)، *الآثار الباقية عن القرون الخالية*، به کوشش ادوارد زاخانو، لایپزیگ.
- ----- (۱۳۸۰)، *الآثار الباقية عن القرون الخالية*، به کوشش پرویز اذکائی، تهران.
- ----- (۱۹۵۵)، *القانون المسعودی*، حیدرآباد دکن.
- جوینی، علاء الدین عظاملک (۱۹۷۳-۱۹۱۲)، *تاریخ جهانگشای*، به کوشش محمد قزوینی، لیدن - لندن.
- حائری، عبدالحسین (۱۳۸۱)، نسخه ای کهن در هیأت و گاهشماری از نیمه نخست سده ششم هجری، *نامه بهارستان*، س ۳، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، صص ۴۴۶-۴۳۷.
- خرقی، بهاء الدین ابومحمد عبدالجبار (۶۴۱۴)، *متهی الإدراک فی تقاسیم الأفلاک*، نسخه شماره ۶۴۱۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مورخ نیمه نخست سده ششم هجری.

- خطیب بغدادی (۱۹۹۷م)، تاریخ بغداد، به کوشش مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت
- دستورالمنجمین (۵۹۶۸)، نسخه شماره ۵۹۶۸ عربی کتابخانه ملی پاریس، مورخ آغاز سده ششم هجری.
- رحمتی، محمد کاظم (۱۳۸۳)، «چند نکته درباره کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه شیخ صدوق»، کتاب ماه دین، شماره ۸۳-۸۴، شهریور و مهر ۱۳۸۳، صص ۶۱-۵۲.
- رسائل دروزی (۹۰۸۶)، الحاکم بأمرالله وحمزة بن علی، نسخه شماره ۹۰۸۶ کتابخانه مجلس شورا در تهران، مورخ سده هفتم هجری.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۲۲۹۴)، جامع‌التواریخ، نسخه شماره ۲۲۹۴ کتابخانه مجلس شورا در تهران، مورخ سده هشتم هجری.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۳۸)، جامع‌التواریخ (قسمت اسماعیلیان و فاطمیان و...)، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه و محمد مدرسی زنجانی، تهران.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم (۲۳۷۱)، الملل والنحل، ترجمان کهن فارسی، نسخه شماره ۲۳۷۱ کتابخانه ایاصوفیا، استانبول، مورخ سده ششم هجری.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، الفهرست، به کوشش جواد قیومی، قم.
- قزوینی، محمد (۱۳۴۵)، یادداشتهای قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن علی (۱۳۶۶)، زبدة‌التواریخ (بخش فاطمیان و نزاریان)، به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه، تهران.
- کرباسیان، ملیحه (۱۳۹۵)، «دستورالمنجمین و میراث ایران باستان»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۳۰۳، بهار ۱۳۹۵.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰)، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی متون، تهران.
- مجمل‌التواریخ و القصص (۱۳۱۸)، به کوشش محمد تقی بهار، تهران.
- ملیجی، ابوالقاسم عبدالحاکم بن وهب (۱۹۴۷)، المجالس المستنصریة، به کوشش محمد کامل حسین، قاهره.
- منظور الاجداد، محمدحسین (۱۳۸۰-۱۳۸۱)، «شورش بساسیری و پیامدهای آن برای شیعیان بغداد»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، زمستان ۱۳۸۰- زمستان ۱۳۸۱، شماره ۳۹-۳۵، صص ۱۰۹-۸۷.
- ناصرخسرو (۱۷۷۸)، خوان‌الاکخوان، نسخه شماره ۱۷۷۸ کتابخانه ایاصوفیا، استانبول، مورخ ۸۶۴ق.
- نجاشی، ابوالعباس بن احمد (۱۴۱۶ق)، کتاب الرجال، به کوشش موسی شیرازی زنجانی، قم.
- مغربی، قاضی نعمان بن محمد تمیمی (۱۹۸۲)، تأویل دعائم الاسلام، به کوشش محمد حسن الاعظمی، قاهره.
- محدث نوری، محمد حسین (۱۴۱۶ق)، خاتمة مستدرک الوسائل، قم.
- Bosworth, C. E. (1998), "The Persian Contribution to Islamic Historiography in the Pre-Mongol Period", **The Persian Presence in the Islamic World**, eds. by R. G. Hovannisian and G. Sabagh, Cambridge, pp. 218-236.
- Canard, M. (1960), "Al-Basāsīrī", **Encyclopaedia of Islam**, New Edition, Vol. 1, eds. by A. R. Gibb & ALS, Leiden, pp. 1073-1075.
- Cortese, Delia (2003), **Arabic Ismaili Manuscripts: The Zahid Ali Collection in the Library of The Institute of Ismaili Studies**, London.
- Daftary, Farhad (1992), "Persian Historiography of the Early Nizārī Ismā'īlīs", **Journal of the British Institute of Persian Studies**, Vol. 30, pp. 91-97.
- Gimaret, D. (1971), **Le livre de Bilauhar et Būtāsf** selon la version ismaélienne, Paris.
- Karbassian, Malihe (2011), "The Dustūr al-Munajjimīn and its approach to the ancient history of Iran". Forthcoming paper kindly provided by the author in 2011.
- Karimi Zanjani Asl, M. (2010), "From the Dustūr al-Munajjimīn to Tūsī's Works: Some Points on the Prevalent Sciences among the Nizārīs through the Fall of Alamūt (1256 CE / 654 A.H)", 'Uyūn al-Akhbār (Studi sul mondo islamico) 4. **Islām Collected Essays**, Editors: Daniele Cevenini & Svevo D'Onofrio, Bologna, October 2010, pp. 223-238.

- Kennedy, E. S. (2009-2010), "Al-Battānī's Astrological History of the Prophet and the Early Caliphate", Suhayl. **International Journal for the History of the Exact and Natural Sciences in Islamic Civilisation**, Volume 9, pp. 13-148.
- King David, A. (1999), **World-Maps for Finding the Direction and Distance to Mecca: Innovation and Tradition in Islamic Science**, Leiden.
- Orthmann, Eva (2011), "The provenance and history of the Dustūr al-Munajjimīn and its manuscript", Forthcoming paper kindly provided by the author in 2011.
- Rosenthal, F. (1968), **A history of muslim historiography**, Leiden.
- Ross, E. Denison (1922), "The Genealogies of Fakhr-ud-Dīn Mubārak Shāh", **A Volume of Oriental Studies Presented to Edward G. Browne**, eds. by T. W. Arnold and R. A. Nicholson, Cambridge, pp. 392-413.
- Stern, S. M. (1972), "Cairo as the Centre of the Ismā'īlī Movement", Colloque international sur l'histoire du Caire, Cairo, pp. 437-450.
- Yarshater, E. (1983), "Iranian National History", **The Cambridge History of Iran**, Vol. III, Part 1, ed. by E. Yarshater, Cambridge, pp. 359-477.
- Zimmermann, F. W. (1978), "The Dustūr al-Munajjimīn of ms. Paris, BN ar. No. 5968", **Proceedings of the First International Symposium for the History of Arabic Science**, Vol. II, eds. by Ahmad Y. al-Hassan & Ghada Karmi & Nizar Namnum, Aleppo, pp. 184-192.

* تصویر برگهایی از آثار یاد شده در این نوشتار، در دفتر فصلنامه موجود است.